

پیکار خونین قم

فریاد مرگ بر شاه، زنده باد آزادی، سراسر میهن ما را به لرزه درآورده است. مردم ایران همه یک صدا خواهان نابودی اشرار مرمزور پهلوی و حکومت جنایت و خیانت آنها هستند. در روز ۱۰ - ۱۱ - ۱۲ ...

نشان میدهد که چگونه و با چه نشانی حکومت خود - کانه و دست نشاند، سلطنتی همه تنگه گاههای اجتماعی خود را در جریان بحرانی که تمام بیکره آتزا فراگرفته یکی پس از دیگری از دست میدهد و بارز - لت بیش از پیش خود شرایط سرنگونی خود را بدست توانای مردم ایران فراهم میکند.

تعمیل بازار در شهرهای مختلف در ۱۴ سال گذشت سابقه نداشته است. پندار رژیم تکجه واحد ام پهلوی که گمان میرسد بشیوه خود را در خونی و باتکرار آن در قم قادر به برگرداندن ورق تاریخ بنفع خویش است پندار بوی و احفانهای است. شرایط کاملا با شرایط اواخر بحران در سال ۱۳۴۰ که خروج ضد - انقلابی را بر جامعه ما تحمیل کرد، تفاوت دارد. این تازه آغاز کار است و تحول بحران گزینی بیک بحران انقلابی اجتناب ناپذیر می باشد. تنها طبقه کارگر ایران قادر به هدایت مردم به یک خروج انقلابی از بحران گزینی است و این امکان دارد تنها زما - نیکه اولا تمام کومیتها و کارگران پیشرو و آگاه ایر - به خطیر بودن شرایط گزینی بی برند و با وحدت خود حزب طبقه کارگر، حزب کومیت، ایران را - جو آورند؛ ثانیاً دهقانان فراموش نشوند و بیاد ری طبقه کارگر انقلابی بدار مبارزات حاد سیاسی و انقیاض نقش قاطع خود هدایت شوند؛ ثالثاً با هرگونه سازشی و نفعهای مدارجویی در این میان که از سوی بورژوازی مصالحه جو طرح و توسط روزبویستنها و اپوزیونیستها توجیه باصطلاح ثوریک میشود، خط ضروری ترین و فوری ترین خواست سیاسی این مرحله از مبارزه طبقه کارگر و مردم ایران سرنگونی حکومت سفاک و دست نشاند، شاه و استقرار یک رژیم جمهوری دموکراتیک، خلقی و مستقل از استعمار بیگانه است، خواستی که تمامی سیر انکشافی اقتصاد، دسی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، روانی و احساسی همه جامعه ۳۵ میلیون ما آتزا تقاضا میکنند و میطلبند، و از هر لحاظ امکان آتزا دارد که آن را به زور و بشیوه قیامگران تیرسز در نخستین انقلاب ایران بدست آورد.

اگر بتوان به آن اسم سخنرانی اطلاق کرد چه بیشتر به شو (روصحنای را گویا گویند - "حقیقت") تلو - یزیونی شبیه بود تا به سخنرانی. دیگر سخنرانی مایوس کننده، ساعدی بود درباره "خبر روشنفکر" و "لبه فرزند" که با کسانی چشم گوشتی است. طبقه برداخته بود (؟). فریدین تنگبانی به خواندن یکی از داستانهای خود پرداخت - د - ستانی طنز آمیز با انتقادهای سطحی. تنها نکته مثبت خواندن این داستان خود عمل خواندن آن بود (زیرا که گویا داستانی بود که اجازه چاپ دریافت نکرده بود). والا خود داستان حاوی مطلب نداشت انگیزی نبود. سخنرانی های دیگر توسط سمین دانشور درباره "رئیس در ادبیات، شمس آل احمد درباره "سانسور و باقر مؤمنی" ایضا سانسور و اثرات آن در رکورد فرهنگی بودند. دو سخنرانی اخیر بیشتر جنبه افشاگرانه داشت و گوتهای از احتیاق در زمینه فرهنگی را نشان میداد. سخنرانی مؤمنی با دقت و سنجیدگی تنظیم شده بود و راجعاً صحبت بر سر جنبش سیاسی - ایدئولوژیک سخنران (نیست) و سعی کرده بود که با استفاده از یک بنده تاریخی مربوط به زمان شروطیت در مورد آزادی ظم و بیان وضعیت فعلی را جسم نماید که خلا مر - تجمین آن زمان برای محدود کردن و تعطیل آزادی به حد تیراهینی و "در لایلی" یا بهتر بگوئیم ستمکهای موصول میشوند و چگونه پس از گذشت ۷۰ سال دستگاه سانسور و دولت مربوط همان کثافت ها را غرغر میکند.

حاله که صحبت از مضمون سخنرانی هاست، در این باره نظری کلی به هم. همانطور که قبلاً گفته شد در مواردی سخنرا - نی های ایراندیده، بدون یک محتوی و مضمون مترقی (برای شرایط فعلی) بود و بیشتر به برگزینی های روشنفکرانه میرفت و در مواردی دیگر این سخنرانی ها با صحبت ها تنها به دادن شعارهایی محدود میگردد و گاه از محتوی تهی بود. علت این امر در عدم وجود یک دورنمای روشن و واحد اعضا و رهبر - ان کثین اشعرا و نویسندگان در مورد اوضاع گزینی و حرکت بین المللی و ملا تطبیق خود با سیاست جدید یعنی نداشتن یک چنین دورنمایی را نیز باید دانسی از مواضع ایدئولوژیک و طیف ناهمگن اعضا کانون دانست، که بعداً خواهیم دید. ولی در شرایط فعلی که رژیم بسبب عمیق تر گردیدن بحران سیاسی - اقتصادی و تشدید تضادهای آن و همراهمی اوجگیری ناراضی ها و جنبش های اجتماعی خود با سیاست جدید های بین المللی و ملا تطبیق خود با سیاست جدید امپریالیسم آمریکا (از سوی دیگر، مجبور به بعضی عقب نشینی های بسیار محدود و انجام مانورهایسی در زمینه آزادیهای اجتماعی گردیده است و ملا از برگزاری یک چنین شب های بطور رسمی جلوگیری نمیکند، مضمون و محتوای این گونه سخنرانی ها چه باید باشد؟

این تجمع بیانگر واقعیاتی آتضا و بسیار مهم است. این امر نشانه انفراد کامل رژیم و گویای آتست که رژیم مطلقاً در بن بست سیاسی و ایدئولوژیک قرار دارد و قادر نیست هیچگونه آتزناتیر ایدئولوژیک و سیاسی ارائه دهد. از جانب دیگر این امر نشانه آتادیکی و علاقه مردم (و در این مورد عدتاً رو - نشنگران) به تغییر وضع موجود است. انکشافی از مخالفت آنها با این وضعیت است، تا آنجا که از هر ابگانی هر جقدر کوچک، و از هر حرکتی که با منظور و هدفی نباشد، و تنها باین شرط که اسم رژیم بر آن نباشد، برای ایراز این مخالفت خود استفاده میکنند. این نکته خود دارای جنبه دو - گانه ای است که در طی این نامه بآن اشاره میگرد. در طی این شبها هر شبیک یا دو سخنرانی ایراد میشد، و بقیه شب هم به شعر خوانی میگشت. شعرها اغلب بی محتوا و نوحالی بودند چه آنها یکی از بیخ و بن بیخ بودند و چه آنها یکی در ظاهر ملو از کلمات گنده و دهن برکن، سرخ و ریز و تیب و انقلاب و غیره. گاهگاه و بندرت شعر خوبی هم خوانده میشد و بهر صورت مردم شعرها را تحمل میکردند و بیشتر به سخنرانی ها توجه داشتند و البته بیش از همه و هر چیز فضایی این شبها برایشان مهم بود. و اما در مورد سخنرانی ها هم جز چند مورد بقیه دست کمی از شعرهای فلاپی نداشتند. آتزاجله بینه سخنرانی و در حقیقت یکی باقی های باقی برهام و فصل فروشی های در اوسری آشوری که در مورد شعر سخن میگفت بدون آنکه هیچ بحث شخصی در مورد شعر میگفت و با معیاری از شعر خوب و بد، مترقی و ارتجایی بدست دهد. سخنرانی اش بیشتر به انش - های بجمعی در سه میبانتست که با آن جمله "معر - وف" بر همه کس واضح و برهن است که ... شروع میشود و ملو از جملاتی کینه ای است که برای تمام انشاها بکار میروند. دیگر سخنرانی محمدعلی مهید بود که درباره فردوسی و سعدی و "مسنات آنها" و غیره صحبت میکرد و انگار خیال کرده بود سر کلاس مثلا دانشگاه ادبیات صحبت میکند و بالاخره با "برجانبگی" قابل تحسینی "مردم را ناله کرد و نتیجه" کلزمت این بود که شعرهای ایران در تمام ادوار "مردمی" (خلق) بوده اند و بندرت شاعر چاپلوس و درباری یافت شده است (جل الخالق!). سخنر - انی این خود داستانی دارد که بعداً بدان باز - میگردد. دیگر سخنرانی اسلام کاظمی بود، البته

نامه زیر که اخیراً بدست ما رسیده و به حسب کامل آن اقدام کرده ایم، بنا به اظهار رفقای فر - ستند و "گزارش مجلی است از شبهای شعر کاز ایران ارسال شده" و "در آن سعی شده است - هر چند بطور مختصر و موجز - رویداد مزبور و جوانب مثبت و منفی آن مورد ارزیابی قرار گیرد".

همانطور که اطلاع دارید از تاریخ نوشته ۱۸ مهر تا چهارشنبه ۲۷ مهراه بدست ده شب سوالی شبهای سخنرانی و شعرخوانی توسط کانون شعر و نویسندگان در محل پانگاه ایران و آلمان وابسته به انستیتیوی گوته برگزار گردید. در این شبها زنان و مردان، دختران و پسران در سنین مختلف، گسرد آند و بودند. از اذاتن آتزان دبیرستانی تا مر - های ۵۰ - ۶۰ ساله (ولی جمع عدتاً از روشنفکران جوان و بویزد دانشجویان تشکیل شده بود. در طی این شبها که در حیاط کلوب مزبور برگزار میشد، هر شب بطور متوسط قریب ۸ - ۷ هزار نفر اجتماع میکردند و گاه این رقم شاید به ده هزار نفر هم میرسید. این نکته در شرایط گزینی حائز اهمیت خاصی است. در شرایطی که رژیم با وجود سلطه همه حائشیا با سرخورداری از لکبیه، انگانات و سائل های فرهنگی و در انحصار دارد قادر نیست، چنانچه حیسرو زوری در کار نباشد، حتی دوست نفر را گرد هم آورد. جمع این عدده قابل ملاحظه بطور ناموم در طی ده شب سوالی از دورترین نقاط تهران (و گاه از شهر های دیگر) که با هر زبستی و با هر وسلهای خود با این محل میسراندند و اغلب ساعتها در راه بود - ندند برای آنکه بپایانند. سه ساعت بطور ایستاده یا نشسته بر روی خاک نمناک و گاه در زیر باران گرد هم آیند و برای بازگشت اغلب کیلومترها پای پیاده و در زیر باران راه بیپایی کنند. در چنین شرایطی

پیکار خونین قم و موح تظاهراتهای سیاسی

چگونه موجب انحطاط فرهنگی جامعه است و بازار اینکه

